

«جامعه جهانی» یا کانون توطئه های جهانی؟!!

در سال 2001 حسب تصادف؛ ناخواسته و ندانسته همکار یا کارمند متشبهت محترمی شدم که با عساکر «جامعه جهانی» وارد کشور شده و بنابر اتصال به مقام عالی؛ داعیه های سیاسی بلند پروازانه ای داشتند. ایشان که مدت مدیدی در ایالات متحده امریکا تشریف داشته و لیبرال دموکرات شده بودند؛ انصافاً صاحب مطالعات و دارای ذهن روشن نسبی بودند. به قانون اساسی و اعلامیه استقلال امریکا و ذوات مؤثر در آنها احترام و علاقه ای ابراز میداشتند که منظور ضمنی آن الگو قرار دادن شان در افغانستان و جریانات سیاسی و مدنی بعدی بود.

از شخصیت های کنونی امریکا ذواتی چون جناب جوبایدن طرف علاقه گرم شان بود و از افغان - امریکایی ها جناب زلمی خلیل زاد نه فقط شخصیت طراز اول بود بلکه «تنها و یگانه حامی روشنفکران» کم عده و ضعیف و نحیف افغانستان در برابر گرگان هار جهادی - طالبی و ارتجاعیون و مستبدان منطقه به شمار میرفت.

بنده شاید هم به دلیل ذهن نقاد و جستجوگر و تعمیم دهنده؛ قادر شدم خیلی چیز های اساساً نو و دارای اهمیت های استثنایی از ایشان - چه در نظر و چه در عمل - بیاموزم.

یکی از موارد جالب این بود که ایشان به مناسبتی فرمودند:

خیلی از دولتمردان امریکا خلاف تصور شما؛ نه اینکه دموکرات و در حدود قوانین نافذ در امریکا مدنی و مترقی نیستند بلکه حتی در تاریخ اندیشی و استبداد رأی حیرت آور نیز میباشند. ایشان به عنوان مثال فرمودند: در برابر «جان اشکراف» (مدعی العموم وقت امریکا) همین آقای سیاف (سمبول ارتجاع سیاه و استبداد «تکفیری») دموکرات است!!!

منظور از یاد آوری این تجربه که درست این روز ها دهمین سالگرد آن است، عطف توجه عزیزان به پشت و روی آنانی است که گرداننده گان لکوموتیف سیاست جهان امروز طور آشکارا یا پنهانی اند. ایشان منجمه تحت عنوان مظنون «جامعه جهانی» نه تنها افغانستان بلکه جهان را ملک طلق خود میدانند و روشنفکران و شخصیت های بالنسبه مستقل یا استخواندار آنها را به درجه اول «داخل آدم حساب نمیکنند» و به درجه دوم مستحق بودن در روی زمین نمی پندارند.

فاجعه اینجاست که تحت تأثیر جنون ضد شوروی و ضد کمونیستی که اساساً توسط «بازی شیطانی» به موازات «جنگ سرد» همچون ویروس سیاه زخم تکثیر گردید؛ بسا از روشنفکران و به اصطلاح شخصیت های افغانستان و کشور های همسایه و مماثل واژه ها و اصطلاحات تعیین کننده علم اقتصاد و سیاست را مسخره و تخطئه کردند و در عوض قلمبه سلمبه های چون «جامعه جهانی» را مانند وحی منزل و آیت مقدس هیئ نشخوار کرده میروند.

حتی بنده اذعان میکنم که احتمالاً خود هم بنابر اقتضات هم رنگ جماعت شدن ... دچار این خبط مهلک معنوی شده ام ولی اینکه که تجربه سایننتیفیک و سخت گران به دست آمده ده ساله را پشت سر داریم؛ بیچون و چرا باید به تصحیح این اشتباهات و خیم پرداخته صاف و ساده به مردم و جوانان خود باید بگوئیم که «جامعه جهانی»؛ جز امپریالیزم - آنهم در همان لمیط ها که شخصیت محترم لیبرال دموکرات ما میفرمودند؛ نیست؛ نبوده است و نخواهد بود!

به حیث یک مثال رسمی و مستند؛ وزیر آب و برق رژیم دست نشانده «جامعه جهانی!» آقای محمد اسمعیل خان در جلسه ی «پارلمان» به صراحت کلام اذعان داشتند که ما همه پروژه های ساختمان تولید بند های برق را آماده و در دسترس داریم. اما این خارجی ها اند که ما را نمیگذارند تا آن ها را عملی نماییم.»

این فقط نمونه سخت ناچیز برنامه های «جامعه ی جهانی»؟! است که علی الرغم بوغ و کرنای کر کننده کمک های سخاوتمندانه تریلیون دالری به افغانستان هدفمندانه خواسته اند کشور ما یک کشور مولد نباشد؛ فقر، گرسنگی، بیکاری، بیدانسی، بی غیرتی و بیماری های روان تنی گسترش یابد تا زمینه های عینی و ذهنی برای سرباز گیری ژاندارم منطقه ای شان میلیتاری ی پنجاب و سازمان جهنمی ی «آی ایس آی» - این مفرزه عملیاتی امپریالیزم و «جامعه جهانی» در منطقه آماده نگهداشته شود!

باید بدانیم که این تراژیدی بسیار دراز دامن است ولی درین روز ها میخواهند با سلسله حرافی های متضاد و «هم به نعل و هم به میخ زدن»؛ وارد فاز دیگر گردند و به رو کردن و عملیاتی ساختن برنامه های ستراتیژیک تر بگذرند!

منجمله این فریبکاری ها و نیرنگبازی ها که پیشتر از تریبون ریاست ناتو و زبان جناب هنری کسینجر؛ رئیس و برخی از اعضای کنگره امریکا .. و شماری از مطبوعات غرب به اطوار مختلف چاق شده بود؛ اخیراً به جناب وزیر خارجه آلمان هم احتیاج پیدا کرد. ایشان فرمایشاتی داشتند که بنده را بی تفاوت نگذاشت. لذا با کمال احترام عریضی خدمت شان تقدیم کردم و اینک عزیزان را هم در جریان میگذارم.

سعی کنید اگر من بیراهه میروم تصحیح فرمائید و الا با شهامت و همیت افغانی که ادعایش را دارید؛ تا ازین هم دیر نشده؛ گریبان این باصطلاح «جامعه جهانی» را بگیرید. لا اقل به یادشان دهید که آیا به بهانه «افغانستان بن لادن را تسلیم نمیدهد» آنرا اشغال نکرده بودید؛ و بالاخره این بن لادن به سخن خودتان از ایبیت اباد پاکستان – آغوش ملتاری پنجاب و مهانخانه آئی ایس آی پیدا نشد؛ چرا **عمل بالمثل با پاکستان نکرید یا نمیکنید** و بر عکس؛ آنرا به حدی فر به مینمائید که استراتژی هایتان را توانا تر از گذشته دوران «جنگ سرد» طور نیابتی در افغانستان و اور آسیا و فراتر اجرا کند و یا بهانه های تازه تر برای لشکرکشی ها و دسایس اجینتوری تان درین گستره فراهم آورد؟؟؟!

لاقل مردم و جوانان را از گمراهی تباهکنی که در آن دست و پا میزنند بیرون آورید و الا مگر شما هم نوکران «جامعه جهانی!» و رقصنده گان به ساز نظامیان پاکستانی و آفریننده گان و باداران شان محسوب نخواهید شد؟! (1)

آهای سیاسیون، رهبران، روشنفکران، دانشمندان، شاعران، هنرمندان، مبصران، ناشران و مبلغان افغانستان که منجمله بر قبر فقید میر غلام محمد غبار... مویه میکنید!

زنده گان و زنده گانی را هم لطفاً دریابید!

خبر:

وزیر خارجه آلمان: برای حفر چاه و ساخت شفاخانه به افغانستان نیامدیم

<http://www.payam-aftab.com/fa/news/16435/>

وزیر امور خارجه آلمان با هشدار نسبت به رقابت بر سر خروج نیروهای خارجی از خاک افغانستان گفت، سربازان کشورش برای دفاع از آزادی و امنیت در افغانستان به سر می برند.

گوئیدو وستروله عنوان کرد: «خروج نیروها از خاک افغانستان باید به گونه ای صورت گیرد که دستاوردهای کنونی ما را در این کشور به خطر نیندازد. اهداف اصلی حضور ما در افغانستان، حفر چاه و ساخت شفاخانه نبود؛ هدف اصلی حضور سربازان ما در افغانستان دفاع از آزادی و امنیت است.»

وی در ادامه گفت باید حمایت های لازم از بهبود وضعیت اقتصادی افغانستان صورت گیرد چرا که این مساله بیش از پیش به تامین امنیت این کشور کمک می کند.

به گزارش خبرگزاری آلمان، پارلمان آلمان (بوندستاگ) سال پیش تصویب کرد خروج تدریجی 5 هزار سرباز این کشور از خاک افغانستان در صورتی که شرایط مساعد باشد، به طور تدریجی و از سال 2011 شروع شود.

وستروله گفت که نخستین برنامه های قطعی درباره خروج نیروها در اولین جلسه بوندستاگ در ماه ژانویه مورد بررسی قرار می گیرد اما درباره این که نخستین گروه از سربازان آلمانی پیش از تعطیلات سال جدید به کشورشان باز می گردند یا نه، اظهار نظری نکرد. وی گفت: مساله بر سر این است که بتوانیم در سیاست مان درباره افغانستان به آنچه می خواستیم، دست یابیم.

تمام سربازان خارجی تا پایان سال 2014 از خاک افغانستان خارج می شوند. آلمان تا سال 2010 رقمی بالغ بر 1.4 میلیارد یورو به افغانستان کمک کرده و تا سال 2013 نیز قرار است سالانه مبلغی بالغ بر 430 میلیون یورو در اختیار این کشور قرار داده شود.

[نظرات کاربران](#)

تبصره و عرایض بنده :

«اهداف اصلی حضور ما در افغانستان، حفر چاه و ساخت شفاخانه نبود؛ هدف اصلی حضور سربازان ما در افغانستان دفاع از آزادی و امنیت است.» .

سخنان زیبایی است و اما نه به تصور و تخیل من بلکه به حکم جبارانه تجربه و حقیقت عیان طی یک دهه ؛ سخنان با معنا و صادقانه ای نیست!

نخست قابل توجه بسیار دقیق هموطنان و ناظران میباشد که سخنان فوق که از برلین می آید ؛ با آنچه از واشنگتن از زبان هنری کسینجر عضو ارشد کمیته 300 ، رئیس و خیلی از اعضای کنگره امریکا ؛ شخصیت های چندین کاره دیگر در کشور های بزرگ سرمایه داری .. خصوصاً درین اواخر برمی آید ؛ حتی در کلمات و جملات مشابه استند .

بنده در اینکه آنها کلمات و جملات غیر شفیری باشند ؛ شک دارم . باید پیشاپیش عرض کنم که شخصاً چنان ماجرا جوی یک دنده و حراف بی مسئولیت نیستم که ایجابات زیست و همزیستی در عالم واقع را برای ملت ها و مردمان لحظه کنونی در دنیا مطلقاً نادیده گیرم .

هدف من از برملا ساختن اینکه « جامعه جهانی » که بعضی ها مایلند ؛ آنرا به کلمه مقدس هم تبدیل کنند ؛ همان کمیته 300 است که دکتور جان کولمن در کتابی به همین نام سالها پیش افشا کرده است ؛ این نیست ؛ که حتی با همین کمیته 300 بی محاسبه امکانات و نیرو ها و منافع دور و نزدیک دیوانه وار فقط بستیزیم و بس!

وقتی گذشته از توده های میلیونی مردم ؛ حتی اکثر سیاسیون و دانشمندان و صاحب نظران ! ما اصلاً نمیدانند که کمیته 300 و « جامعه جهانی » یعنی چی و بسیاری ها فقط در تاریکی اندام های آنرا لمس میکنند و مانند « فیل » در مثنوی مولانا از هر کدام آن توهمی دیگر و کاملاً خلاف واقع میدهند ؛ شعار و فریاد محض بلاهت است .

لذا سخن من این نیست . من چند پرسش حسابی و هندسی دارم :

جناب وزیر خارجه !

در اینکه شما واقعا چرا به افغانستان آمدید ؛ درد سر نمیدهم ، قبول میکنم که شما برای حفر چاه و شفاخانه نیامدید برای دفاع از آزادی و امنیت آمدید . به نظرم چاه آب آشامیدنی که احتمالاً هدف شماست ؛ و خصوصاً شفاخانه ؛ حتی سمبول های زندگی استند تا چه رسد به سمبول های « آزادی و امنیت » .

پس معنای سخن جناب عالی این نمیشود که « آزادی و امنیت » شما معنایی دیگر دارد و شاید هم لازمه آن حفر قبر و گورستان برای مردم است ؟! (2) مگر « آزادی و امنیت » شما را چه شده بود که برای آن به افغانستان آمدید . کمونیست ها که منکوب و معدوم شده بودند ؛ شوروی به دیار عدم رفته بود . جز آی ایس آی و پاکستان و عربستان و بالاخره خود شما حضرات کمیته 300 که نیرویی در صحنه وجود نداشت !

اگر القاعده بود و مهماندارانش طالبان ؛ نورچشمی های شما و پیاده نظام تان در جنگ ضدشوروی و رژیم مورد حمایت آن بودند و با پول و اسلحه و طرح و تعلیم و تربیه... شما همان شده بودند که بودند!

خوب اگر خر هم می خندید شما مدعی شدید که بخشی از لا و لشکر تان یاغی شده و گویا « آزادی و امنیت » تان را تهدید کرده اند . گیرم درست . آمدید و در ساعاتی میدان را صاف کردید ولی چه به جایش آوردید ؛ مثنی مزدور رسوای شرکت های نفتی و اسلحه سازی و مثنی «استادان» و مجاهدان متقاعد که همچون القاعده و طالب از همان خاستگاه برخاسته و از همان نعمات چاق و چله شده و قبل بر آن بدون اینکه چین بر جبین شما بیاورد ؛ افغانستان و بالخصوص کابل آنرا چون شهر درسدن خودتان در جنگ دوم جهانی تباه کرده بودند .

اینها که حداقل حتی برای شرم زمانه هم شده طبق اصول و قوانین خود تان باید محاکمه و مجازات میشدند ولی طی ده سال از آنها چه ساختید؟!

خیال کردید تعدادی لومپن قرون وسطایی را خریول کنید ؛ بورژوا میشوند و متحدان طبقاتی تان !؟؟؟

خوب . کم از کم در منطقه ؛ این آی ایس آی و ارتش خاص و رأساً زنجیری شده پاکستان بود که همه اینها را همه کاره میساخت و حتی اگر به راستی برضد «آزادی و امنیت» شما هم ساخته بود ؛ همونها ساخته بود .

با این **علت العلل** طی این یک دهه شما چه کردید ؛ مگر هنوز کمکش نکردید تا طالب مرده را ؛ «ببو» جور کند و دم و دستگاه حکومت دست نشانده تان در افغانستان را تا اعماق ارگ متصرف گردد؟؟؟

آیا همه اینها عرق شرم بر صورت تان نمی آورد؟

شاید در برابر آن واکسینه استید !؟

پس لطفاً بفرمائید با شما که چنین مشخصه و ممیزه تعیین کننده بشری را در خود نابود کرده اید ؛ چگونه میشود ، صحبت کرد ؟؟

آری ما ؛ آماده صحبت و حتی یاری و همکاری در حد توان استیم ولی در شناخت شما که طرف استید ؛ درمانده ایم ؟ ظاهراً شما خواسته اید «هم غازی شوید و هم شهید و هم صحت و سلامت به خانه برگردید!»

ولی تصور میکنم باطناً چنین نیست . همه آنچه به ما و جهان و مردمان خویش گفته اید ؛ دروغ است !

زیر کاسه نیم کاسه است و شما غالباً با **ملیتاریزم که در پاکستان درست کرده اید** و با «بازی **شیطانی**» که در **صحنه افغانستان و «جهان اسلام»** پیش می برید ؛ قصد آن دارید که نه تنها از افغانستان بلکه چنانکه بازو های عملیاتی جهادی و طالبی و القاعده ای و جوره های دیگر وهابی و سلفی و اخوانی تان علناً شعار داده اند از فرغانه و آسیای میانه تا روسیه و چیچین و حوزة خزر و کسپین یک قبرستان انسانی مانند عربستان سعودی وهابی و شاید هم بدتر از آن درست نمائید .

جناب وزیر خارجه !

تمامی اسناد و دلایل و قراین و نتایج اعمال 10 و حتی 30 ساله کمپ و کمیته شما ؛ ما را به این نتایج میرساند و شما میتوانید اگر ما اشتباه میکنیم ؛ با سند و ثبوت ما را تصحیح فرمائید . ما هم «آزادی و امنیت» میخواهیم منتها همراه با چاه آب و شفاخانه و **تأسیسات زیربنایی و روبنایی** که بشر در عصر کنونی میتواند و باید داشته باشد و اگر احیاناً شما صادقانه در پی آن برای ما استید ؛ ما دیوانه نیستیم که کفران نعمت کنیم و بر روی شما به ناحق پیخ بزنیم ! آرزو میکنم که علما و عملاً مسایل را طور دیگری ارائه و اثبات بفرمائید.

با احترامات ؛ جناب وزیر خارجه !

رویکرد ها :

(2و1) - تازه ترین نمونه «آزادی و امنیت» که جامعه جهانی برای دنیا عرضه کرد و ادامه بخشودن «آزادی و امنیت» به افغانستان ، عراق ، مصر ؛ تونس و غیره بود ؛ اهدای «آزادی و امنیت» به لیبی است که آنرا از چنگال دیکتاتور معمر قذافی نجات داد.

البته معانی دیکتاتور و دموکرات و بیدادگر قرون وسطایی (که طبق نورم و چل و فن «بازی شیطانی» در دنیای «اسلام» خود را نماینده الله! و احیاگر شریعت رسول الله! جا میزند) ؛ هیچکدام معلوم و مشخص نیست . هرکدام که به منفعت قلدوران جهان بود ؛ همان به مدد تمامی زرادخانه ها و تکنولوژی های آنان یا به قدرت آورده میشود و یا از آن به زیر کشیده میشود.

و الا در قرونی که تاریخ مکتوب و مسجل بشر به حافظه سپرده است ؛ هرگز فرشته گان به قدرت نرسیده و حکومت عدل خدا یا بنده در کدام جایی برپا نگردیده و یا کم از کم جز شبی مداومت نیافته است !

دیکتاتور لیبی هم ؛ بیش از دیکتاتور نبود که در اواخر «دیوانه» نیز شده بود و نتوانست معادلات جامعه جهانی را محاسبه کند و روی سلسله ای از خدمات و کارنامه های چهل ساله خود که اتفاقاً در افریقا بینظیر بود ؛ بیش از اندازه حساب کرد و خیال نمود که مردمی که اینهمه از او حسنات به یاد دارند ؛ واقعاً دوستش دارند و از آن گذشته ؛ میتوانند به مقتضای این دوستی در قبال قدرت قاهره و جابره جامعه جهانی کاری کنند !!!

آری این دیکتاتور با تمام قوت و قهر ممکن در هم کوبیده شد و اما اینک سالی که نیکوست از بهارش پیداست ؛ از هم اکنون یاد « کفن کش قدیم» آه حسرتی است و بس !

ولی خدای خبر که لیبی اگر همچون افغانستان دهه ای را پشت سر گذارد ؛ چه « آزادی و امنیت » و دموکراسی و حقوق بشر و جامعه مدنی و غیره خواهد یافت ؟؟؟!!

به هر حال ؛ حد غلام باشد که از دیکتاتوری چون معمر القذافی دفاع (لفظی!) نماید .

تنها یک جمع بندی کوچک از آنچه که دیکتاتوری ی قذافی برای مردم لیبی در بدل « آزادی و امنیت» شان فراهم کرده بوده و توسط «مجله سونیس» انجام شده و انتشار یافته است ؛ شنیدنی و خواندنی است :

• مساوت های چهل ساله قذافی به شرح زیر بوده اند:

- 1
• در لیبی برق برای همه مردم رایگان و مجانی بود.
- 2
• در لیبی بانک های دولتی به همه مردم اقراض بی بهره می دادند.
- 3
• داشتن خانه و مسکن حق مسلم هر شهروند بود و جزو حقوق بشر تلقی می شد.
- 4
• عروس و داماد کمک دولتی بالغ بر 50 هزار دلار امریکایی دریافت می کردند تا بتوانند خانه بخرند و زندگی جدیدی برای خود برپا دارند.
• حکومت قذافی از تشکیل خانواده پشتیبانی می کرد.
- 5
• در لیبی آموزش و پرورش و خدمات پزشکی مجانی بود.
• قبل از روی کار آمدن قذافی فقط 25 درصد مردم لیبی خواندن بلد بودند.
• امروزه 83 درصد مردم با سوادند و 25 درصد فارغ التحصیل دانشگاه اند.
- 6
• اگر کسی در لیبی به کشاورزی می پرداخت، همه وسایل و امکانات ضرور از قبیل زمین، خانه، باغ، گاو و وسایل کشت و کار و مواد کشت و کار را به رایگان از دولت دریافت می کرد.
- 7
• اگر کسی به امکانات آموزشی و پزشکی نیاز داشت که در لیبی یافت نمی شد، دولت مخارج سفر او را به خارج پرداخت می کرد.
• علاوه بر این 2300 دلار امریکا برای اجاره خانه و ماشین دریافت می کرد.
- 8
• اگر کسی ماشین می خرید، نصف قیمت آن را دولت می پرداخت.
- 9
• قیمت بنزین در لیبی لیتری 10 سنت بود.
- 10
• اگر کسی پس از پایان تحصیل، کار پیدا نمی کرد، دولت حقوق میانگین یک شاغل را به او پرداخت می کرد تا کار مناسب پیدا کند.
- 11
• لیبی بدهی خارجی نداشت.
• زررو لیبی بالغ بر 150 میلیارد دلار در جهان مسدود شده و برای ابد از دست رفته است.
- 12
• بخش معینی از درآمد حاصل از فروش نفت مستقیماً به حساب بانکی شهروندان لیبی ریخته می شد.
- 13
• هر مادری پس از زایمان کودکی، 5000 دلار کمک دولتی دریافت می کرد.
- 14
• اکنون 25 درصد مردم لیبی تحصیلات عالی دارند.

15

• قذافی بزرگترین پروژه لوله کشی جهان را عملی ساخته است تا مردم آب اشامیدنی و آب لازم برای کشاورزی و دامپروری در اختیار داشته باشند.
خدا را هزاران بار شکر که ناتو و شورشیان متدین، خلق لیبی را از شرش آزاد ساخته اند.

<http://www.mashal.org/content.php?c=bainenmelal&id=01330>